

نگاهی به موقعیت ویژه سیاسی - اقتصادی خلیج فارس در دوران باستان

امیر رضوان تبار^۱

فرهاد پروانه^۲

چکیده

خلیج فارس از قرن‌ها پیش و در تمدن بین‌النهرین بعنوان یک آبراه مهم تجاری و نظامی اهمیت ویژه‌ی داشته است. وجود آثار باستانی در دوره ایلامیها در مناطق کرانه‌ی خلیج فارس واقع در بوشهر (لیان) باستانی نشان می‌دهد این منطقه مرکز تجاری دولت ایلام، مقتدرترین دولت باستانی پیش از ورود آریاییها، بوده است. امپراتوری هخامنشی، بویژه داریوش اول، نیز با استفاده از همین آبراهه بر منطقه وسیعی از آسیا و آفریقا حکمرانی و دریاسالاری میکرده است. اسکندر و سلوکیها به اهمیت خلیج فارس آگاه بودند و نیروی دریایی عظیمی جهت ارتباط با هند در شرق و دریای سرخ در غرب در آن تشکیل دادند. در دوره اشکانیان بازرگانی منظمی در آبهای خلیج فارس برقرار بوده و همواره سعی میشد امنیت داد و ستد تجاری در قلمروشان حفظ شود. در دوره ساسانیان، بازرگانان و دریانوردان ایرانی موفق شدند تجارت دریایی خلیج فارس با چین را در اختیار بگیرند و در آستانه ظهور اسلام، تجارت دریایی در خلیج فارس رونق فوق العاده‌ی گرفت. نوشتار حاضر در پی بازنمایی موقعیت ویژه سیاسی و اقتصادی خلیج فارس در دوران باستان میباشد.

کلیدواژگان

خلیج فارس؛ عملکرد سیاسی - اقتصادی؛ دوران باستان

مقدمه

خلیج فارس بعنوان شعبه‌ی بزرگ از اقیانوس هند که بر سر راه کلیه خطوط دریایی در مشرق عدن واقع شده و در مقام محل و معبر مبادله کالا و تجارت میان شرق و غرب، نه تنها از زمانهای دور صحنه رقابت و کشمکشهای ملل ذینفع و متجاوزان و استعمارگران بوده است، بلکه همیشه و بیش از هر دریای دیگری مورد توجه باستان‌شناسان و مورخان و جغرافی‌نویسان قرار داشته است. اوضاع و احوال خلیج فارس در ادوار پیش از میلاد بدرستی دانسته نیست و مدرک مدون و قاطعی که منشاء قضاوتی دقیق قرار گیرد در دست نیست. اینکه آیا در آن دوران فنیقیها در مناطق مسکونی خلیج فارس مستقر بوده‌اند یا نه؛ پاسخ محکمه‌پسندی ندارد. قدر مسلم اینکه از چهار هزار سال قبل از میلاد تجارت دریایی میان اقوام ساکن این منطقه جریان داشته است. بابلیها که نیروی دریایی عظیمی داشته‌اند، همیشه به خلیج فارس توجهی خاص نشان میدادند. اکثر مورخان یونانی از جمله هرودوت معتقدند که بابلیها وسایل مورد نیاز خود را که از عربستان و هندوستان تهیه میکردند از طریق خلیج فارس حمل مینمودند. بلحاظ موقعیت سوق الجیشی نیز بابل در حوالی خلیج فارس در کنار دجله و فرات قرار گرفته بود و سه دریای فارس و هند و سیاه را به هم مرتبط میساخت. با وجود اینها پیش از همه احتمالاً پای فنیقیها به خلیج فارس باز شده است که در مرکز عالم متمدن باستان میزیستند و بواسطه کشتیهای خود از بیبلوس و صور و صیدا رموز دریانوردی و همچنین آداب خط و کتابت را به نقاطی از عالم برده‌اند. ایلامیها، قدرتمندترین دولت باستان قبل از آریاییها، توانسته بودند با تسلط بر بین‌النهرین، اقتصاد

۱. کارشناس ارشد تاریخ گرایش مطالعات خلیج فارس؛ amirrezvan@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه لرستان (نویسنده مسئول)؛ farhad.parvaneh@yahoo.com

ایلامیها از اقوامی بودند که قبل از شروع تاریخ در دشتهای جنوب غربی ایران از حوال شوش تا نزدیکی بوشهر میزیستند. بطور کلی تصور می‌رود اقوام مذکور ابتدا در آسیای مرکزی ساکن بوده و در چهار هزار سال قبل از میلاد به فلات ایران، شام و مصر هجرت نموده‌اند (همان: ۳۳). از لحاظ جغرافیایی، ایلام بزرگتر از خوزستان کنونی بوده و مناطق کوهستانی در شمال و شرق را در بر می‌گرفته است؛ مثلاً در بوشهر (لیان) باستانی، نوشته‌یی به زبان ایلامی یافت شده که تاریخ آن در حدود اواسط هزاره سوم قبل از میلاد می‌باشد. همچنین در دیگر نقاط فارس هم نوشته‌های ایلامی به خط میخی و نقش برجسته کشف شده است (دیاکونوف، ۱۳۵۱: ۹۹).

جرج کامرون در مورد امپراتوری ایلامیها مینویسد: شیلهاکاینشوشیناک دارای امپراتوری نیرومندی بود. وی بر «لیان» بوشهر در خلیج فارس نیز فرمانروایی داشت، زیرا در آنجا پرستشگاهی که هوبان - نومنا برای کیرشیا ساخته بود، او نیز پرستشگاه مشترک هوبانو کیرشیا را بازسازی کرد (کامرون، ۱۳۷۵: ۹۲).

پیرنیا درباره نتایج تاریخی غلبه ایلامیها بر بین‌النهرین مینویسد: «دمرگان و نویسندگان دیگر فرانسوی به این عقیده‌اند که غلبه ایلامی بر سومریها و مردمان بنی سام نتایج تاریخی زیادی در برداشته است». توضیح اینکه، ایلامیها [به] قدری با خشونت و به قسمتی وحشیانه با ملل مغلوبه رفتار کردند که آنها از ترس جان از اماکن و اوطان خود فرار کرده و هر کدام به طرفی مهاجرت نموده‌اند. بنابراین، عقیده دارند مردمی که در رأس خلیج فارس و بحرین (الحساء) سکنا داشتند به طرف شامات رفته، دولت فنیقیه [لبنان] را تشکیل دادند و بعد در تجارت و دریانوردی معروف شدند (پیرنیا، ۱۳۵۱: ۲۳).

اقتصاد ایلامیها بر تجارت و استخراج و صادرات مواد معدنی استوار بود. اقتصاد دریای پارس در دوران ایلامیها ساده و شامل مواد خام اولیه بود که در برابر مواد معدنی و ساخته شده گوناگون مبادله می‌گردید و برتری و داد و ستد بازرگانی خارجی بر ساکنان کرانه‌های دریای پارس آشکار شد و حوزه مزبور راه تجارت با خاور و باختر را در پیش گرفت و

دریای پارس را در اختیار بگیرند. وجود آثار باستانی از دوره ایلامیها در منطقه بوشهر (لیان) باستانی، نشان از سلطه ایشان بر خلیج فارس دارد. خلیج فارس و نواحی کرانه‌یی آن برای پادشاهان هخامنشی نیز اهمیت فراوانی داشته است. داریوش اول هخامنشی به یکی از دریانوردان جغرافیدان خود بنام سیکلاکس دستور داد تا گزارشی دریایی درباره خلیج فارس برای او تهیه کند. اسکندر و جانشینان او، یعنی سلوکیها، به اهمیت خلیج فارس بخوبی آگاه بودند و نیروی عظیم دریایی در خلیج فارس تشکیل دادند که موجب تأمین ارتباط با هند در شرق و دریای سرخ در غرب شد. تسلط اشکانیان بر خلیج فارس نیز مربوط به دوران حکومت مهرداد اول است که در زمان این پادشاه مقتدر بر خلیج فارس و نواحی پس کرانه‌یی آن مسلط شدند. توجه ویژه ساسانیان به امنیت سواحل خلیج فارس از اقدام پادشاهان ساسانی، بویژه شاپور اول در سرکوبی اعراب یاغی در بحرین کاملاً مشهود است. سکه‌ها و مهره‌های یافت شده در سواحل و بنادر جنوبی چین، هند و سیلان نشان‌دهنده تجارت پررونق ساسانیان از راه خلیج فارس با جنوب آسیا می‌باشد. نوشتار حاضر به بررسی تحولات سیاسی و اقتصادی خلیج فارس در دوران باستان می‌پردازد.

خلیج فارس و ایلامیها (۲۵۰۰-۶۴۴ ق. م)

تاریخ قدیم خلیج فارس و نواحی اطراف آن کاملاً روشن نیست و آنچه در این زمینه گفته میشود از حیطة فرض و حدس خارج نمی‌باشد. مأخذ اطلاعات ما عموماً اساطیر و افسانه‌های قدیم و مدارک تاریخی از قبیل تورات و کتیبه‌های میخی و همچنین کشفیاتی است که دانشمندان از جمجمه و استخوانهای نژادهای مختلف قدیم و جدید ارائه کرده‌اند. این نکته تقریباً ثابت شده که در زمانهای بسیار دور، شاید ده هزار سال قبل از میلاد مسیح، سه نژاد مختلف انسانی در سواحل خلیج فارس میزیستند: اول، تیره «دراویدیها» است که در سواحل مکران اقامت داشته‌اند و امروزه در قوم بلوچ حل شده و از بین رفته‌اند. دوم، نژاد «سامی» در سواحل عربستان است که بظاهر جانشین تیره «هامی» یا نژاد سیاه آفریقایی سکنه این سرزمین شده یا آنها را در خود حل کرده‌اند. سوم، نژاد «ایلامی» است که در انتهای خلیج فارس و تا حوالی شرقی بوشهر سکونت داشته‌اند (ویلسن، ۱۳۶۶: ۳۲).

کوروش پس از پیروزی بر بابل و ایلام، شهر شوش را بجای بابل مرکز بازرگانی خارجی ایران و خاور و باختر قرار داد تا کشتیها به رود کارون داخل شوند و کالاهای خود را از شوش تخلیه کنند. از طرفی نیز با ایجاد راه شوش، بابل و سارد بطول ۱۲۰۰ کیلومتر شوش، اکباتان و باختر، دسترسی کشورهای تابع شاهنشاهی ایران را که در فاصله دور قرار داشتند، ممکن ساخت (همان: ۵۹).

اقتصاد هخامنشی بر پایه کشاورزی و تجارت بود و داریوش هر دو را مورد پشتیبانی و تشویق قرار داد. او توسط اصلاح اراضی، سرمایه‌گذاری در سیستم آبرسانی و حفر قنات به وضعیت کشاورزی سرو سامان بخشید و با راه‌اندازی سیستم ضرب سکه‌های نقره و طلا بازار تجارت را رونق داد. از برکت رونق اقتصاد هخامنشی، واژگان ایرانی به زبانهای خاورمیانه و بعدها زبانهای اروپایی راه یافتند. در عصر هخامنشی، سفرهای برون‌مرزی بازرگانان با حمایت و هزینه دولت بمنظور جستجوی بازارهای جدید و منابع نو مرسوم شد (بهشتی، ۱۳۸۶: ۲۴). داریوش هخامنشی یک گروه دریایی را بمنظور شناسایی بندرها و بازارها و دریاهای بیرون از دریای پارس و یافتن پناهگاه راهزنان دریایی به فرماندهی «سیکلاکس» به دریای پارس فرستاد تا از راه تنگه هرمز به دریای سرخ و مصر بروند (امیرابراهیمی، بی‌تا: ۵۸). حفر کانالی میان رود نیل و دریای سرخ به فرمان او بدان خاطر صورت گرفت که کشتیهای بازرگانی فنیقی و یونانی بتوانند با ایرانیان، اعراب و هندیان و اقوام دیگر ارتباط برقرار کنند (داندامایف، ۱۳۵۸: ۴۸). وی نقش مؤثری در رشد، توسعه و ساخت بندرگاه‌های ساحل خلیج فارس داشت. استاندارسازی واحدهای وزنی و سنجشی، دیگر فعالیت سودمند داریوش در رونق بخشیدن و بهبود وضعیت تجارت کشور بود (بهشتی، ۱۳۸۶: ۲۴).

خلیج فارس در دوران اسکندر و سلوکیها (۱۴۱-۳۲۳ ق.م)
آشکارا با از بین رفتن سلسله هخامنشیان توسط اسکندر، هژمونی سیاسی و تجاری ایرانیان بر خلیج فارس، دریای عمان، اقیانوس هند، دریای سرخ، مدیترانه و سیاه از بین رفت. لشکرکشی اسکندر به شرق تنها یک حرکت گسترده نظامی صرفاً با آمال سیاسی و نظامی نبود. امپراتوری

بابل در بینالنهرین که در مسیر این راه بود، به بزرگترین مرکز داد و ستد کالا بدل شد. از آن پس به مدت صد سال عرصه کالاهای جدید و ورود کشورهای جدید به صحنه بازرگانی دریای پارس ادامه داشت و این امر سبب گسترش تمدن و افزایش ثروت شهرهای پیرامون آن شد و شهرهای توانمند بندر جنوبی جرا، چراکس، بحرین، ترتون، ریشهر معروف گشت (امیرابراهیمی، بی‌تا: ۵۶-۵۷).

خلیج فارس در دوران هخامنشیان (۳۲۰ - ۵۵۰ ق.م)

با آنکه هخامنشیان قدرتمندترین دولت عصر باستان بودند و پهناورترین قلمرو حکومتی را در اختیار داشتند، اما هیچگونه تاریخ مکتوبی از خود به یادگار نگذاشتند و تاریخ‌نویسان بناچار برای اطلاع از وقایع آن عصر به تاریخ هرودت مراجعه میکنند. بازمانده آثار هنری و بناهای هخامنشی، چند پایروس مصری، اشارات مبهم تورات و گنجینه‌یی از لوحه‌های به خط ایلامی که در تخت جمشید بدست آمده، دیگر اسناد و مدارکی هستند که اطلاعاتی درباره تاریخ هخامنشی به ما میدهند.

ایرانیان آریایی پس از تشکیل دولت هخامنشی چون زارع و گلهدار بوده و از دشتهای همجوار شمال بطرف فلات ایران آمده بودند، همین که حدود دولت ایشان از طرفی به خلیج فارس و از طرف دیگر به کرانه دریای سرخ و مدیترانه و دریای سیاه رسید، دیدند که حفظ مستعمرات دریایی و برقرار نگاه داشتن ارتباط مرکز دولت با ممالک ماورای بحار مستلزم داشتن نیروی دریایی قوی است. آنها از وجود فنیقیهای ساکن بنادر صور و صیدا و عکا و یونانیهای جزایر و سواحل آسیای صغیر استفاده کردند و پهن دشت دریا زیر سیطره ایرانیها درآمد (اقبال، ۱۳۲۸: ۱۵).

دولت هخامنشی پس از پیروزی بر دولتهای بین‌النهرین و سلطه بر کناره شمالی و جنوبی دریای پارس، وارث بازرگانی دریایی و راه تجارت خاور و باختر گردید. اهمیت راه آبی خلیج فارس و نگهداری امنیت آن بر کوروش بزرگ روشن بود، زیرا تجارت بین منطقه هند، آفریقای خاوری، دریای پارس و کشورهای پیرامون آن، سود سرشاری نصیب شهرها و بندرهای مجاور دریای پارس میساخت (امیرابراهیمی، بی‌تا: ۵۷).

به ایکاروس، خدای یونانی، وجود دارد همراه با کتیبه تاریخ‌دار از یکی از شاهان سلوکی و گنجینه‌یی از سکه‌هایی که تاریخ آن مربوط به نیمه دوم سده سوم قبل از میلاد است (پوریانژاد، ۱۳۸۴: ۸۰).

خلیج فارس در دوران اشکانیان (۲۲۴ ق.م - ۲۴۷ م.)

پارتیا منطقه‌یی در جنوب شرقی دریای خزر بود که اقوام نیمه بیابانگرد با نسب آریایی در آن میزیستند. در زمان کورش کبیر، این سرزمین به امپراتوری گسترده هخامنشی پیوست و تا زمان حمله اسکندر به ایران، یکی از ساتراپی‌های هخامنشی بود که سپس تحت کنترل سلوکیان قرار گرفت. پارتیان نخستین اقوام ایرانی بودند که بر علیه اشغالگران یونانی و مقدونی شوریدند. رهبران این شورش دو برادر به نامهای اشک و تیرداد بودند. پس از خلع یوغ سلوکی، اشک خود را بعنوان نخستین پادشاه سلسله‌یی اعلام کرد که بعدها سلسله پادشاهی به افتخار او اشکانیان نام گرفت.

تاریخ تسلط اشکانیان بر نواحی خلیج فارس را باید مربوط به دوران حکومت مهرداد اول (۱۳۷-۱۷۱ ق.م) دانست. اشکانیان در زمان این پادشاه، کشور ایلام را در خلیج فارس منقرض ساختند و ثروتهای معابد سوزیان (شوش) در خوزستان و خلیج فارس و بین‌النهرین را به تصرف درآوردند (حمیدی، ۱۳۶۸: ۲۴۱).

در زمان اشکانیان، شاهان پارتی همانگونه که از راه‌های زمینی کشور که در شرق تا چین و در غرب تا مدیترانه امتداد داشت، درآمد خوبی بدست می‌آوردند، راه‌های دریایی را هم در جنوب کشور در اختیار داشتند و به رومیها فرصت استفاده از آنها را ندادند (دیاکونوف، ۱۳۵۷: ۷۳). در دوره اشکانیان بازرگانی و دریانوردی منظمی در آبهای خلیج فارس از دهانه فرات و کارون تا آبهای عمان، عدن، شرق آفریقا و دریای سرخ برقرار بود (اقتداری، ۱۳۶۴: ۲۰۳). نشانه‌های پیشرفت دریانوردی آنها را هنوز میتوان در واژه‌های چون «تاوی» بمعنی نیروی دریا و «ناوخذ» بمعنای کاپیتان کشتی، «بار» بمعنی بندر در واژه‌های «زنگبار» و «مالابار» یافت (مجتهدزاده، ۱۳۸۵: ۱۸).

هخامنشی سه قرن یونان را بازیچه خود قرار داده و راه‌های مهم تجاری دریایی و زمینی را در اختیار خود گرفته بود. اسکندر هم از لحاظ نظامی و هم از لحاظ سیاسی و تجاری میخواست سراسر کرانه‌های خلیج فارس را یکپارچه سازد؛ بلند پروازی که نه سلوکیان و نه پارتیان به پای آن نرسیدند (برونر، ۱۳۷۷: ۱۵۹).

اسکندر مقدونی به دریانورد معروف خود، «نئارخوس»، دستور داد که گزارشی دریایی از خلیج فارس تهیه کند. او در سال ۳۲۷ ق.م همراه با دریانوردان خود راه هند تا دجله را درنوردیدند و پس از گذشتن از بندر میناب به سواحل بوشهر نزدیک شدند. در مصب رودخانه هند برای تعمیر کشتیهای خود دستور سه هفته توقف داد و از نواحی شبه جزیره «مزامبریا»، که اکنون بندر بوشهر در آن قرار دارد، برای همراهان خود آذوقه و خوار و بار تهیه کرد (گابریل، ۱۳۴۸: ۲۴۹-۳۱۴).

جانشینان اسکندر در ایران، یعنی سلوکیها، به اهمیت خلیج فارس بخوبی آگاه بودند. آنها در کرانه‌های خلیج فارس نه شهر را بنا کردند که از جمله میتوان به انطاکیه پارس یعنی بوشهر امروزی در کنار لیان باستانی اشاره کرد (گیرشمن، ۱۳۶۸: ۲۶۲). سلوکیان نیروی دریایی عظیمی در خلیج فارس تشکیل دادند که موجب تأمین ارتباط با هند در شرق و دریای سرخ در غرب شد (همان: ۲۷۸).

در دوران آنتیوخوس سوم (۲۲۳-۱۸۷ ق.م)، پادشاه سلوکی، سفری به شرق کرد که هشت سال طول کشید و در همین سال، او ساحل غربی خلیج فارس را طی کرد و از جزایری که بر اثر صید مروارید شهرت داشتند عبور نمود. برخی از مورخان معتقدند که منابع تجاری پادشاهی سلوکیه با شرق از طریق زمینی و دریایی تا حد زیادی در اقدام به این سفر طولانی دخالت داشته‌اند (همان: ۲۵۹).

بی‌گمان علاقه سلوکیان به سوداگری در خلیج فارس و ارتباط با هند، آنها را مجبور کرد که مانده‌هایی نیز در خلیج فارس داشته باشند؛ در این زمینه میتوان به جزیره فیلکه در خلیج فارس اشاره کرد. در این جزیره بنایی موسوم

خلیج فارس در دوران ساسانیان (۶۵۱-۲۲۴ م.)

گرچه دوره ساسانیان از حیث فتوحات و جهانگیری به پای دوران هخامنشی نمی‌رسد و کشور شاهنشاهی وسعت دوران کورش و داریوش را نداشت، ولی بدون شک بیش از نیاکان خویش به دنیا و اوضاع آن آشنایی داشتند و در کارها و شئون مختلف از جمله بازرگانی که مستلزم مسافرت به کشورهای دوردست از راه خشکی و دریا بود، ورزیده‌تر و بی‌باک‌تر شده بودند. در همین دوره بود که ملوانان و ناخدایان ایرانی خلیج فارس را که در حکم دریای داخلی ایران بود، پایگاه آمد و شد کشتیهای خود قرار داده بودند (نشأت، ۱۳۴۵: ۶۷).

اردشیر ساسانی که خویشتن را زنده‌کننده عظمت ایران هخامنشی می‌شمرد، با قیام خود آن کشور را که بر اثر نفوذ اجتماعی و اخلاقی یونانیان رنگ یونانی گرفته بود، دوباره بشکل ایرانی درآورد و خلیج فارس و کرانه‌هایی که از قلمرو دولت ایران بیرون رفته بود، دوباره به ایران برگرداند. سروری در خلیج فارس برای اردشیر یکم بسیار مهم بود. بنابراین عجیب نیست حتی تا بحرین نیز پیش رفت. طبری درباره حمله اردشیر بابکان به خلیج فارس و کرانه‌های آن اظهار میدارد: «اوایل قرن سوم میلادی هنگام پادشاهی اردشیر ساسانی، پادشاهی بنام ساطرون در بحرین بوده و در مقابل اردوکشی ایرانیان در قلعه‌ی سنگر اختیار کرده بود و در نتیجه، یک سال ارتش ایران آن را محاصره کرده تا بالأخره فتح نمود و شاپور یکم، پسر ولیعهد خود را جهت حکومت آنجا مأمور نمود. بدین ترتیب، ساسانیان ناحیه مرواریدخیز بحرین و اطراف آن را تحت نظارت خویش گرفتند» (طبری، ۱۳۸۵: ۵۹۸).

توجه ساسانیان به امنیت سواحل خلیج فارس از اقدام شاپور دوم در سرکوبی اعراب یاغی به منطقه خلیج فارس کاملاً مشهود است. هنگامی که شاپور دوم هنوز کودک بود، اعراب ناحیه هاجر که ساکنان بحرین و احساء و قطیف و یمامه باشند، طغیان کرده، چندین مرتبه به کرانه‌های شمالی خلیج فارس دست‌درازی نمودند و خانمان زیادی را به یغما برده و ویران کردند تا آنکه شاپور دوم برای آرامش کشور به نواحی مزبور ارتشی فرستاد و کشتار زیادی در بحرین رخ داد.

براساس نوشته‌های چینی، اشکانیان (۲۴۷ ق.م - ۲۲۴ م.)، از راه آبی خلیج فارس با چینیه‌ها روابط تجاری داشته‌اند. گویا چینیه‌ها برای نخستین بار در حدود سال ۱۲۰ ق.م اطلاعاتی درباره آسیای غربی و بین‌النهرین بدست آوردند. این اطلاعات را چانگ چین بدست آورده بود، شخصی که فرستاده سیاسی امپراتور وو تی نزد کوشان بود و مأموریت داشت تا از آنها برای مقابله با هونها تقاضای کمک کند. زمانی که چانگ چین در سرزمین پارت (ایران) بود، درباره کشورهای غرب آسیا مطالبی شنید و به کشورش انتقال داد. کان یینگ در سال ۹۷ میلادی اطلاعات مبهم او را تکمیل کرد. یینگ درباره راه دریای خلیج فارس اطلاعات دقیق و روشنی به چین فرستاد. همچنین در کتابی با عنوان سیر و سیاحت در دریای اریتره نوشته جهانگرد و تاجر ناشناس یونانی نیمه دوم سده نخست میلادی درباره تجارت دریایی و زمینی بویژه ارتباط دریایی چین با سیلان و هند با کشتیهای بزرگ در عهد اشکانی اطلاعات موثقی وجود دارد (خلیفه، ۱۳۸۷: ۲).

در دوره اشکانیان، خلیج فارس شکل یک منطقه ترانزیت کالا داشت. اشکانیان تسهیلات بسیاری برای بازرگانان خاور و باختر فراهم کردند و شهرها و بندرهای ایران، آنان را پذیرا شدند و هر سکه‌ی که داد و ستد و عرضه شد میپذیرفتند. آنان در بندرهای دریای پارس گمرک‌خانه دایر کردند و از کالاهای وارده و صادره برابر ۱۰٪ ارزش آنها عوارض دریافت میکردند و چون درآمدهای خود را از محل وصول خراج اراضی و عوارض گمرکی بدست می‌آوردند، همواره سعی داشتند که صلح، امنیت و آزادی و داد و ستد تجاری در قلمروشان پایدار باشد تا درآمدهای گمرکی کاهش نیابد (امیر ابراهیمی، بی تا: ۵۹-۶۰).

پارتیان نقش سلطه‌گر اقتصادی را بین شرق و غرب ایفا میکردند و همواره مانع پیشرفت رومیان بودند که میکوشیدند با هند و چین بیواسطه رابطه برقرار کنند. یکی از تاریخنگاران بنام راولینسون در مورد بازرگانی و روابط تجاری اشکانیان مینویسد: «بازرگانی ایرانیان در عهد اشکانی ترقی و توسعه بسیار کرد، بطوری که همه جا با رومیان رقابت میکردند» (همان: ۶۰).

توسعه و ترقی یافته، در آن دوره یکی از بنادر مهم خلیج فارس بشمار می‌آمده است. حتی رهنامه‌یی برای کشتیرانی در سواحل عمان و اقیانوس هند در دست ناخدایان ایرانی بوده که بعدها واسکودوگاما نیز از آن استفاده کرده است و واژه‌های ناو، ناوی، ناوگان، ناوخدا، قطب‌نما از همان دوره به یادگار مانده است (مقتدر، ۱۳۳۳: ۸). اقدامات شاهان ساسانی نشان می‌دهد که تا چه اندازه سلطه بر خلیج فارس و دسترسی به راه‌های آبی آن برای ساسانیان مهم بوده است، حال آنکه در آن زمان حدود مرزهای ایران خیلی دور از کرانه‌های خلیج فارس به طرف شمال و خاور باختر کشیده شده بود. از نقطه نظر اقتصادی، خلیج فارس نقش عمده‌یی در روابط تجاری و بازرگانی ایران عهد ساسانی داشته و دریانوردی ساسانیان در این آبراهه بین‌المللی فعال بوده است. در این دوره، در خلیج فارس کشتیرانی بطور فعال برقرار بوده و نقطه پایانی کشتیها در آنجا، «تردون» در دهانه فرات بوده است. سرزمین یمن و سبا و حمیر، تحت نفوذ ساسانیان بوده است و بنابراین بندر اومان (عمان) و سواحل یمن و بخشی از حبشه و دریای سرخ در تبادلات تجارت دریایی در دست ایرانیان بوده و از این طریق با مدیترانه در ارتباط بوده‌اند (رائین، ۱۳۵۶: ۲۷۵). ساسانیان در امر بازرگانی تا سیلان (سری لانکا) با امپراتوری روم شرقی (بیزانس) رقابت و کشمکش داشتند. آنها در مالزی و سیلان مهاجرنشینهای تجاری تأسیس کرده بودند و کشتیهای تجاری ایرانی اسبهای ایرانی را به سیلان حمل میکردند (دریایی، ۱۳۸۵: ۱۲۸). نیروی دریایی ایران در زمان ساسانیان، عدن و سیلان را به تصرف درآوردند و راه‌های بازرگانی ایران را تا چین جنوبی و کرانه‌های خاوری آفریقا زیر سلطه قرار دادند (امیرابراهیمی، بی تا: ۶۲).

سکه‌ها و مهرهای ساسانی یافت شده در سواحل و بنادر جنوبی چین، هند و سیلان نیز نشان‌دهنده تجارت پررونق با آن نواحی است. شمار فراوانی این سکه‌ها به اواخر سده پنجم و اغلب به اواخر سده ششم و اوایل سده هفتم میلادی تعلق دارد و بیشتر آنها در ضرابخانه‌های ایالت فارس و مجاور ضرب شده است (دریایی، ۱۳۸۵: ۴). در دوره ساسانیان بندر سیراف، مرکز بازرگانی بزرگی بود و در ردیف بندر ریشهر قرار داشت و مدتی در حدود سه سده، بزرگترین بندر بازرگانی

بنا به گفته طبری: «شاهپور ذوالاکناف به انتقام تهاجمات بدویان عرب، با یاران خویش از دریا گذشته و به «خط» رسید و به دیار بحرین تاخت و مردم بکشت و فدیه نگرفت به غنیمت نپرداخت. شاهپور جمعی از بنی تغلب را در دارین بحرین که آنجا «هیج» گویند و در «خط» مقر داد و بنی عبدالقیس و بعضی قبایل تمیم را در «هجر» نشانند و بنی بکر بن وائل را به کرمان برد که بکریان نام گرفتند و بنی حنظله را به «رُمیله» اهواز برد و بگفت تا به سرزمین سواد شهری بساختند و نام آن را «بزرگ شاپور» کرد که همان «انبار» باشد و به سرزمین اهواز نیز دو شهر ساخت که یکی «ایران خره شاپور» بود یعنی شاپور و بلاد وی و به سریانی «کرخ» نام دارد و دیگری شوش بود و این شهر را در پهلوی دژی که تابوت دانیال پیامبر در آن بود بنا کرد» (همان: ۶۰۰-۶۰۱).

در عهد خسرو اول (انوشیروان) که تمامی سواحل خلیج فارس و بحر عمان تا خلیج عدن و کشور یمن در عربستان در اختیار دولت شاهنشاهی ایران درآمده بود، خلیج فارس مرکز عظیم نیروی ایران شد و از آن نواحی بود که سپهبد وهرز با سپاه نیرومند خود که معروف به «لشکر نجات» بودند برای استخلاص یمن از دست حبشیه‌ها به آن صفحات رهسپار شد و آن کشور را جزء ممالک تحت‌الحمایه ایران قرار داد و سیف‌بن‌زی‌یزن، پسر پادشاه آنجا را که از بیم حبشیه‌ها به دربار ایران پناهنده شده بود، بار دیگر به مقام شهریاری آنجا رسانید (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۲۰۴). در حبیب‌السییر در مورد تصرف یمن و ضمیمه کردن آن به امپراتوری ساسانی توسط خسرو اول (انوشیروان) آمده است: «چون خاطر خطیر انوشیروان از تسخیر ولایات شام فارغ گشت، به نجران شتافت و آن ملک را نیز در حوزه تصرف آورد. از آنجا به عدن رفت و ملک یمن را مطیع خود کرده به مداین بازگشت» (خواندمیر، ۱۳۶۲: ۲۳۴).

بدستور پادشاهان ساسانی در سواحل و بنادر خلیج فارس، شهرها و قلعه‌ها و پایگاه‌های دریایی متعددی بنا شده که آثار برخی از آنها از بین رفته و بعضی نیز مانند شهرهای «ابوله» و «پیروز شاپور» که در کنار فرات و «بتن اردشیر» و شهر شاپور در سواحل جنوبی خلیج فارس تا زمان تسلط نیروهای اسلام موجود و معمور بوده است. ریشهر هم که در زمان اردشیر

منابع

- اقبال آشتیانی، عباس؛ *مطالعاتی درباب بحرین و سواحل خلیج فارس*، تهران: چاپخانه مجلس، ۱۳۲۸.
- اقتداری، احمد؛ *از دریای پارس تا دریای چین*، تهران: شرکت تحقیق و توسعه حمل و نقل ایران، ۱۳۶۴.
- امیرابراهیمی، عبدالرضا؛ *خلیج فارس*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، بی تا.
- برونز، کریستوفر؛ *تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی*، ترجمه حسن انوشه، تهران: انتشارات امیرکبیر، جلد سوم، ۱۳۷۷.
- بهشتی، اکسانا؛ *راهنمای سفر به استان فارس*، ترجمه حسین یعقوبی، تهران: نشر روزنه، ۱۳۸۶.
- پوریانژاد، فریاد؛ «خلیج فارس در مسیر تاریخ ایران باستان»، مجموعه مقالات *خلیج فارس در گستره تاریخ*، دانشگاه اصفهان، جلد دوم، ۱۳۸۴.
- پیرنیا، حسن؛ *تاریخ ایران قدیم*، تهران: انتشارات خیام، ۱۳۵۱.
- داندامیاف، محمد؛ *تاریخ سیاسی و اقتصادی هخامنشیان*، ترجمه میرکمال نبی پور، تهران: نشر گستر، ۱۳۵۸.
- حمیدی، سید جعفر؛ «زمان شناسی خلیج فارس»، مجموعه مقالات *همایش خلیج فارس*، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۶۸.
- خواندمیر؛ *حبیب السیر*، تهران: انتشارات خیام، جلد اول، ۱۳۶۲.
- خلیفه، مجتبی؛ «تجارت دریایی خلیج فارس - چین در سده های میانه به روایت ناظر چینی»، *فصلنامه تاریخ روابط خارجی*، تهران: وزارت امور خارجه، سال نهم، شماره ۳۶، ۱۳۸۷.
- دریایی، تورج؛ «تجارت خلیج فارس در اواخر دوران باستان»، *جامعه و اقتصاد عصر ساسانی*، ترجمه حسین کیان زاد، تهران: نشر سخن، ۱۳۸۵.
- دیاکونوف، ام.ام؛ *اشکانیان*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: نشر پیام، ۱۳۵۱.
- _____؛ *تاریخ ماد*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: نشر پیام، ۱۳۵۷.
- راین، اسماعیل؛ *دریانوردی ایرانیان*، تهران: بی نا، ۱۳۵۶.
- طبری، محمد بن جریر؛ *تاریخ طبری*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۵.
- کامرون، جرج؛ *ایران در سینه دم تاریخ*، ترجمه حسن انوشه، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۵.
- گابریل، آلفونس؛ *تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران*، ترجمه فتحعلی خواجه نوری، تهران: انتشارات ابن سینا، ۱۳۴۸.
- گیرشمن، رومن؛ *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه محمد معین، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۶۸.
- مجتهدزاده، پیروز؛ *حاکمیت ایران بر جزایر تنب و ابوموسی*، تهران: نشر سحاب، ۱۳۸۵.
- مقتدر، غلامحسین؛ *کلید خلیج فارس*، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۳۳.
- نشأت، صادق؛ *تاریخ سیاسی خلیج فارس*، تهران: شرکت نسبی کانون کتاب، ۱۳۴۵.
- ویلسن، سرآرنولد؛ *خلیج فارس*، ترجمه محمد سعیدی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۶۶.
- یعقوبی، ابن واضح؛ *تاریخ یعقوبی*، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، جلد اول، ۱۳۵۶.

دریای پارس بحساب می آمد. در دوره ساسانیان بازرگانان و دریانوردان ایرانی موفق شدند که تجارت دریایی خلیج فارس را با چین در اختیار بگیرند و در آستانه ظهور اسلام، تجارت دریایی در خلیج فارس رونق فوق العاده ای داشت.

نتیجه گیری

خلیج فارس از قرن ها قبل و حتی قبل از کشف نفت در ابتدای قرن بیستم، همواره اهمیت ویژه جغرافیایی، اقتصادی و تجاری خاص خود را داشته است. این منطقه از دوران باستان تا کنون، همواره بعنوان یک آبراه و قطب سیاسی-اقتصادی مورد توجه قدرتهای بزرگ منطقه و ماوراء آن بوده است. آبراه خلیج فارس در طول تاریخ محل آمد و شد کشتیهای تجاری و نظامی بوده و نقش اساسی در برقراری ارتباط با تمدنهای همجوار داشته است. در دوره ایلامیها بازرگانی و داد و ستد کالاها بطور مستمر فعال بوده و پایتخت آنها، شهر شوش، در کرانه های خلیج فارس یکی از کانونهای شکوهمند تمدن دنیای قدیم بوده است. اقدامات داریوش اول هخامنشی در حفر کانالی در ترعه سوئز و مأموریت دادن به سیکلاکس، دریانورد مشهور خود برای تهیه گزارشی دریایی از خلیج فارس و نواحی کرانه ای آن نشان از اهمیت این آبراه بین المللی در دوران هخامنشیان دارد. اسکندر و جانشینان او سلوکیها به اهمیت خلیج فارس و کرانه های آن واقف بودند و بنادر زیادی در نواحی ساحلی آن ساختند. استقرار ایرانیان در دوره اشکانیان که در زمینه دریانوردی در خلیج فارس به پیشرفت زیادی دست یافته بودند در کناره های جنوبی این آبراه فزونی یافت. نشانه های پیشرفت آنها را میتوان در واژه های همچون «ناو» بمعنای ناو خدا یافت. سلطه ایرانیان بر کرانه های جنوبی خلیج فارس در دوره ساسانیان مستحکم شد. کوچ اعراب به سواحل خلیج فارس در دوره اردشیر بابکان، بنیانگذار امپراتوری ساسانیان، آغاز شد و کنترل مناطق ساحلی از دست رفته دوباره بدست آمد. اقدام شاپور دوم در سرکوب اعراب یاغی ناحیه بحرین و ساختن شهرهای متعدد در کرانه ها و پس کرانه های خلیج فارس نشان از توجه ویژه شاهان ساسانی به خلیج فارس دارد. در مجموع میتوان گفت تجارت و بازرگانی در عهد ایران باستان از خلیج فارس به دیگر نقاط جهان، اهمیت فراوان داشته است.